



خدا متکبران و فخر فروشان را دوست ندارد.

قرآن مجید (سوره نسا، آیه ۳۶)

چه کسی بهتر است؟

● نویسنده: نقی سلیمانی
● تصویرگر: سحر خراسانی

به دوره‌ی پیش از اسلام، «جاهلیت» می‌گویند. در دوره‌ی جاهلیت، عادت‌ها و سنت‌های بدی وجود داشت. مردم به بسیاری از کارهای ناشایست خو گرفته بودند و به چیزهای نادرستی اعتقاد داشتند. پیامبر اکرم (ص) با قرآن مجید به راهنمایی مردم پرداخت. بسیاری از عادت‌های زشت از بین رفت و روش‌های خوب، جای آن‌ها را گرفت.

در میان مردم عرب، رسم و عادت شده بود که به خود می‌نازیدند. همین‌طور به قوم و قبیله‌ی خود و خلاصه هر چه که داشتند، می‌نازیدند. گاهی آن‌ها حتی به اسب و شتر خود هم افتخار می‌کردند. آن‌ها فکر می‌کردند که بهترین موجودات روی زمین هستند و کسی مثل آن‌ها نیست. آن‌ها دائم به ایل و تبار خود افتخار می‌کردند و دیگران را کوچک می‌شمردند.

دو قبیله‌ی «عبدمناف» و قبیله‌ی «بنی‌سهم» همیشه به تعداد زیاد افراد خود می‌نازیدند. کم‌کم کار بالا گرفت. این‌ها از زیادی تعدادشان می‌گفتند و آن‌ها به بیشتر آدم‌هایشان افتخار می‌کردند! یک روز، دو قبیله تمام افرادشان را یکی‌یکی شمردند. می‌خواستند بالاخره معلوم شود که جمعیت کدام قبیله بیشتر است. آن‌ها برای این کار، داورانی انتخاب کردند. داوران، فرزندان عبدمناف را شمردند. یعنی تمام افراد قبیله را به صف کردند و یکی‌یکی شمردند. فرزندان عبدمناف، رگ‌های گردن‌شان باد کرده بود و همه خیلی جدی ایستاده بودند تا شمارش شوند.





بعد، نوبت فرزندان «سهم» شد. داوران آن‌ها را هم یکی یکی شمردند. بالاخره برنده‌ی این مسابقه‌ی خودخواهی معلوم شد: قبیله‌ی عبدمناف. فرزندان عبدمناف شروع به شادی و پایکوبی کردند.

- ما بزرگ‌ترین قبیله‌ی عرب هستیم!
 - قبیله‌شان را نگاه کنید، چهار نفر بیشتر نیستند و این همه ادعا!
 - آمده‌اند خودشان را با ما مقایسه کنند! شما را چه به عبدمناف؟
 افراد قبیله‌ی بازنده خشمگین شدند. آن‌ها داوری را رد کردند و گفتند: خیر! این جور داوری، هیچ ارزشی ندارد. اگر راست می‌گویید باید تمام ما را بشمارید.
 یکی از داوران گفت: یعنی چه؟ ما همه را شمردیم.
 - نه... همه را نشمردید.
 - شمردیم.
 - اما خیلی از اعضای قبیله‌ی ما مرده‌اند. باید مرده‌ها را هم بشمارید!
 با این حرف‌ها، قرار شد مردگان دو قبیله هم شمرده شوند. دو قبیله‌ی عرب، با هم راه افتادند و به سوی قبرستان رفتند. گردوخاک از پشت سرشان به هوا بلند شده بود.
 حالا مسابقه با هیجان تازه‌ای ادامه می‌یافت! باید معلوم می‌شد که مرده‌ها و زنده‌های کدام یک بیشتر است تا آن قبیله، بزرگ‌تر شمرده شود.
 داوران مدتی عرق ریختند و تمام مرده‌ها را شمارش کردند. خورشید چهره‌ها را سرخ می‌کرد، اما کسی توجهی به گرما نداشت. سرانجام معلوم شد که مرده‌های قبیله‌ی بنی‌سهم از عبدمناف بیشتر است.
 این بار دیگر نوبت قبیله‌ی سهم بود که به خود بنازد و قبیله‌ی عبدمناف را کوچک و حقیر بشمارد!

خداوند بزرگ در سوره‌ی تکاثر، به این داستان اشاره کرده است. دین اسلام ارزش انسان‌ها را به مال یا زیادی تعداد و... نمی‌داند. بلکه اعمال نیک و به یاد داشتن یاد خدا را باعث بزرگ بودن آدمیان می‌خواند.